



دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام)
دانشکده تاریخ و مطالعات سیاسی
رساله جهت اخذ درجه دکتری Phd
رشته علوم سیاسی

روش شناسی فقه سیاسی شیعه با تاکید بر اندیشه های امام خمینی (ره)

استاد راهنما:

حجت الاسلام المسلمین دکتر نجف لک زایی

استاد مشاور:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر منصور میر احمدی

نگارش:

عبدالله نظرزاده اوغاز

اسفند ۱۳۹۷



فهرست

۸	چکیده
۹	مقدمه:
۹	طرح تفصیلی
۱۰	بیان مساله
۱۲	ضرورت پژوهش
۱۳	سابقه پژوهش
۱۷	فرضیه پژوهش
۱۷	پیش فرض های پژوهش
۱۸	اهداف پژوهش
۱۸	روش گردآوری، تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده ها
۱۸	سازمان دهی پژوهش
۲۰	فصل اول:
۲۰	مفهوم شناسی پژوهش (مبادی تصویری)
۲۱	مقدمه:
۲۲	گفتار اول: تعریف روش و روش شناسی و فایده آن
۲۲	روش علم
۲۸	گفتار دوم: فقه و اجتهاد
۲۹	تعریف فتوا و حکم
۴۸	گفتار سوم: فقه سیاسی و فقه حکومتی، نظریه و قاعده در فقه سیاسی
۴۸	جایگاه فقه سیاسی در رتبه بندی علوم
۵۷	نظریه های فقه سیاسی
۶۵	مبادی اصول فقه
۷۱	گفتار چهارم: حکومت اسلامی، شرایط و اختیارات حاکم اسلامی
۸۱	جمع بندی و نتیجه گیری فصل اول
۸۶	فصل دوم: مبانی اصول فقه سیاسی شیعه (مبادی تصدیقی)
۸۷	مقدمه
۸۹	گفتار اول: جایگاه عقل در فقه سیاسی
۸۹	الف) مفهوم شناسی عقل در علم اصول
۸۹	الف-۱) عقل نظری

الف-۲) عقل عملی.....	۹۰
الف-۳) عقل (به عنوان دلیل شرعی).....	۹۰
الف-۴) احکام عقلایی.....	۹۲
الف-۶) اصول عملی عقلی.....	۹۳
الف-۷) اصول عقلایی.....	۹۳
الف-۸) سیره و بنای عقلاء.....	۹۳
ب) دلالت و حجیت عقل.....	۹۵
ب-۱) حجیت عقل نظری.....	۹۶
ب-۲) حجیت عقل عملی.....	۹۷
ب-۳) حجیت بنای سیره عقلاء.....	۹۷
ب-۴) جایگاه سیره و بنای عقلاء در فقه سیاسی.....	۱۰۰
ب-۵) نتیجه گیری بحث حجیت عقل.....	۱۰۱
ج) حسن و قبح.....	۱۰۲
ج-۱) حسن و قبح عقلی.....	۱۰۲
ج-۲) حسن و قبح شرعی.....	۱۰۳
ج-۳) حسن و قبح ذاتی.....	۱۰۴
ج-۴) حسن و قبح اعتباری.....	۱۰۴
د) ملازمه حکم عقل و شرع.....	۱۰۵
د-۱) عقل و ملاکات احکام شرعی.....	۱۰۸
د-۲) تبعیت احکام شرعی از مصالح و مفاسد واقعی.....	۱۱۲
د-۳) قاعده «الواجبات الشرعیة الطاف فی الواجبات العقلیه».....	۱۱۳
د-۴) ادله منکران قاعده ملازمه.....	۱۱۷
گفتار دوم: عرف و نقش آن در تشریح احکام.....	۱۱۹
الف) تعریف عرف.....	۱۱۹
الف-۱) تعریف لغوی.....	۱۱۹
الف-۲) تعریف اصطلاحی.....	۱۱۹
الف-۳) عرف خاص.....	۱۲۰
الف-۴) عرف شرعی.....	۱۲۱
الف-۵) عرف متأخر (سیره غیر معصوم <small>علیه السلام</small>).....	۱۲۲
الف-۶) عرف متشرعه.....	۱۲۳
ب) حجیت عرف.....	۱۲۳
ب-۱) شرایط حجیت عرف.....	۱۲۴

ب-۲) سیره مشرعه.....	۱۲۵
ج) جایگاه عرف در اصول فقه.....	۱۲۷
ج-۱) عرف و عادت.....	۱۲۷
ج-۲) عناصر عرف.....	۱۲۸
ج-۳) عناصر عادت.....	۱۲۸
د) جایگاه عرف در فقه سیاسی.....	۱۲۹
گفتار سوم: مصلحت و نقش آن در استنباط احکام شرعی و حکومتی.....	۱۳۲
الف) تعریف مصلحت.....	۱۳۳
الف-۱) تعریف لغوی.....	۱۳۳
الف-۲) تعریف اصطلاحی.....	۱۳۴
ب) تقسیمات مفهومی مصلحت.....	۱۳۴
ب-۱) مصالح ضروری.....	۱۳۴
ب-۲) مصالح تحسینی.....	۱۳۵
ج) مصالح مرسله.....	۱۳۵
ج-۱) شرایط حجیت مصالح مرسله.....	۱۳۷
هـ) مصلحت و اهداف دین.....	۱۳۹
و) تبعیت احکام شرعی از مصالح و مفسد واقعی.....	۱۴۰
ز) حجیت مصلحت در فقه شیعه.....	۱۴۱
ح) منبع تشخیص مصلحت.....	۱۴۳
ط) ضوابط تشخیص مصلحت.....	۱۴۴
ی) اولویت شناسی مصلحت.....	۱۴۵
گفتار چهارم: سایر مبادی تصدیقی فقه سیاسی.....	۱۴۸
الف) حجیت ظواهر قرآن کریم و سنت نبوی <small>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ</small>	۱۴۸
کاربرد ظواهر قرآن و سنت در فقه سیاسی.....	۱۴۹
ب) نظام امامت و نقش عصمت در تأسیس حکومت مشروع شیعه.....	۱۵۰
انسداد باب علم یا علمی.....	۱۶۰
الف) تعریف انسداد.....	۱۶۰
الف-۱) دلیل انسداد.....	۱۶۱
ب) ظن.....	۱۶۴
ظن انسدادی (ظن مطلق).....	۱۶۵
ظن اجتهادی.....	۱۶۵

نگرش سیستمی و نظام واره گی دین و تأثیر آن در استنباط احکام شرعی.....	۱۶۸
رابطه علوم و معارف الهی با علوم بشری.....	۱۷۲
نگرش جامع نگر یا سیستمی به دین.....	۱۷۶
(۱) شواهد قرآنی نظام مندی دین.....	۱۷۶
(۲) شواهد روایی نظام مندی دین.....	۱۷۸
مفروضات نگرش سیستمی به دین.....	۱۸۰
ضرورت نظام سازی در فقه.....	۱۸۰
تعریف نظام سازی.....	۱۸۱
ویژگی های نظام سازی دینی.....	۱۸۱
جمع بندی و نتیجه گیری فصل دوم.....	۱۸۳
فصل سوم:.....	۱۹۱
منظومه روشی فقه سیاسی امام خمینی <small>علیه السلام</small>	۱۹۱
گفتار اول) مبانی فقه سیاسی امام خمینی <small>علیه السلام</small>	۱۹۲
مقدمه.....	۱۹۲
مبادی تصدیقی فقه سیاسی امام خمینی <small>علیه السلام</small>	۱۹۳
الف) عقل، بناء عقلاء، ملازمه حکم عقل و شرع.....	۱۹۴
ب) عرف و جایگاه آن در مبانی فقه سیاسی امام خمینی <small>علیه السلام</small>	۱۹۶
ج) مصلحت و جایگاه آن در مبانی فقه سیاسی امام خمینی <small>علیه السلام</small>	۱۹۹
ضوابط تشخیص مصلحت از دیدگاه امام خمینی <small>علیه السلام</small>	۲۰۱
ج-۲) امکان یا عدم امکان تراحم مصالح احکام الزامی و غیر الزامی.....	۲۰۳
د) تحقیق و تنقیح مناط و تأثیر آن در فقه سیاسی امام خمینی <small>علیه السلام</small>	۲۰۵
گفتار دوم) نظریه سیاسی امام خمینی <small>علیه السلام</small>	۲۱۰
الف) هدف بعثت و وظایف انبیاء.....	۲۱۰
ب) جایگاه «ولایت» در اسلام.....	۲۱۱
ج) دلایل عقلی ضرورت تشکیل حکومت از دیدگاه امام خمینی <small>علیه السلام</small>	۲۱۲
د) دلایل نقلی ضرورت تشکیل حکومت.....	۲۱۴
ه) نظریه ولایت مطلقه فقیه.....	۲۱۶
حدود اختیارات حکومت اسلامی.....	۲۲۰
جایگاه عصمت در تشکیل حکومت اسلامی از دیدگاه امام خمینی <small>علیه السلام</small>	۲۲۳
الگو قرار دادن پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> و ائمه <small>علیهم السلام</small>	۲۲۳

۲۲۶	گفتار سوم) اصول و قواعد فقه سیاسی امام خمینی <small>علیه السلام</small>
۲۲۶	۱) قاعده «لاضرر و لا ضرار».....
۲۳۲	۲) قاعده خطابات قانونی.....
۲۳۶	نظریه خطابات قانونی امام خمینی <small>علیه السلام</small>
۲۳۹	آثار نظریه خطاب قانونی.....
۲۳۹	آثار نظریه خطاب قانونی در فقه.....
۲۴۰	قاعده ضرورت حفظ نظام اسلامی.....
۲۴۳	حجیت و دلالت قاعده حفظ نظام در صدور احکام حکومتی.....
۲۴۵	جمع بندی و نتیجه گیری فصل سوم.....
۲۵۵	فصل چهارم:.....
۲۵۵	منظومه روشی فقه سیاسی اخباری با تاکید بر اندیشه های مرحوم فیض کاشانی.....
۲۵۶	مقدمه.....
۲۵۶	تاریخچه تاسیس و علمای برجسته مکتب اخباری.....
۲۵۸	گفتار اول) مبانی روشی فقه سیاسی اخباریون.....
۲۵۸	اجتهاد از دیدگاه اخباریون.....
۲۷۲	عرف و عقل از دیدگاه فیض کاشانی.....
۲۷۴	نسبت شرع و سیاست.....
۲۷۶	گفتار دوم) نظریه سیاسی اخباریون با تاکید بر اندیشه فیض کاشانی.....
۲۷۹	نقد و بررسی رابطه شرع و سلطنت از دیدگاه فیض کاشانی.....
۲۸۲	گفتار سوم) اصول و قواعد فقه سیاسی نزد اخباریون با تاکید بر اندیشه فیض کاشانی.....
۲۸۷	جمع بندی و نتیجه گیری فصل چهارم.....
۲۹۲	جمع بندی و نتیجه گیری کلی پژوهش.....
۲۹۳	اول) مدل سازی روش فقه سیاسی شیعه.....
۲۹۴	دوم) مفهوم شناسی، گفتمان سازی و ادبیات گستره.....
۲۹۵	سوم) مبادی تصدیقی یا مبانی روشی فقه سیاسی شیعه.....
۲۹۶	چهارم) فوائد مدل سازی منظومه روشی فقه سیاسی امام خمینی <small>علیه السلام</small>
۲۹۷	پنجم) مکتب اخباری و رویکرد کلی آن به امر حکومت در عصر غیبت.....
۲۹۹	منابع و مأخذ.....
۲۹۹	کتاب.....
۳۱۴	مقالات.....

چکیده

یکی از مهمترین مراحل عملیاتی سازی یک ایده خلاقانه، «مدل سازی» است که امروزه در علوم اجتماعی رواج دارد. «مدل سازی» در خصوص مباحث فقه سیاسی و فقه حکومتی با توجه به ابعاد گسترده، پیچیدگی روابط، شاخص ها و ویژگی های فراوان از راه های موثر برای درک ساختار و ابعاد مختلف آن در مباحث درجه دوم (روشی) و درجه اول (احکام و مسایل) آن در این عرصه است، با تاسیس نظام و حکومت اسلامی با مجاهدت های امام خمینی علیه السلام بحث های بدیعی از جمله حجیت قوانین و احکام حکومتی صادره و اجرای آن، نظامات مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روابط میان آنها، نقش ولی فقیه، دولت و مردم و نحوه توزیع قدرت و ثروت و جریان عدالت در سراسر بخش ها و نظام های مختلف و ... مطرح شدند که نیازمند توسعه دانشی و گرایشی متنوع بر اساس مدل های نوآورانه بود، مشروعیت بخشی به تصمیمات، احکام و قوانین جمهوری اسلامی همواره از دغدغه های بایسته قانونگذاران و نظریه پردازان انقلاب اسلامی از بدو تاسیس تاکنون بوده است، تا بتواند تبعیت و انتساب نظامات، قوانین و تصمیمات حاکمیت را به اسلام تضمین نماید.

برای ساختن این مدل تحلیلی از روش فرضی - قیاسی استفاده شده است به این بیان که بحث فقه سیاسی و فقه حکومتی امام خمینی علیه السلام به عنوان یک مفهوم کلی در نظر گرفته شد، یک منظومه سه لایه روشی به عنوان مدل طراحی شد (شامل مبادی روشی فقه سیاسی، نظریه فقه سیاسی، اصول و قواعد فقه سیاسی) تا توانمندی لازم را برای فهم و تحلیل روش فقه سیاسی امام خمینی علیه السلام به وجود آورد.

بعد از تکمیل مفهومی این مدل در مکتب امام علیه السلام مکتب اخباری (به لحاظ تقابل با فقه سیاسی امام علیه السلام) در آن به آزمون نهاده شد. مدل حاضر نشان داد که این مکتب در مقایسه با منظومه روشی حضرت امام علیه السلام دارای کاستی های فراوان روشی و محتوایی در امر سیاست و حکومت در عصر غیبت است، بدین صورت بدیهی است که امکان تشکیل یک دولت و حاکمیت تمام عیار بر اساس این مکتب کاملاً منتفی خواهد بود.

مفاهیم کلیدی: مدل سازی، روش شناسی، فقه سیاسی امام خمینی علیه السلام، مبادی تصویری و تصدیقی فقه سیاسی، نظریه فقه سیاسی، قواعد فقه سیاسی، مکتب اخباری.

مقدمه:

طرح تفصیلی

بیان مساله

یکی از مهمترین مراحل عملیاتی سازی یک ایده خلاقانه، «مدل سازی»^۱ است که امروزه در دانش مدیریت، صنعت، علوم پایه و علوم اجتماعی به عنوان یک گرایش مستقل شناخته شده است.

«مدل سازی» در خصوص مباحث فقه سیاسی و فقه حکومتی با توجه به ابعاد گسترده، پیچیدگی روابط، شاخص ها و ویژگی های فراوان از راه های موثر برای درک ساختار و ابعاد مختلف آن در مباحث درجه دوم (روشی) و درجه اول (احکام و مسایل) آن در این عرصه است، با تاسیس نظام و حکومت اسلامی با مجاهدت ها و مبارزات حضرت امام خمینی علیه السلام بحث های بی سابقه و بدیعی از جمله حجیت قوانین و احکام حکومتی صادره و اجرای آن، نظامات مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روابط میان آنها، نقش ولی فقیه، دولت و مردم و نحوه توزیع قدرت و ثروت و جریان عدالت در سراسر بخش ها و نظام های مختلف و ... مطرح شدند که نیازمند توسعه دانشی و گرایشی متنوع بر اساس مدل های نوآورانه بود تا بتواند تبعیت و انتساب نظامات، قوانین و تصمیمات حاکمیت را به اسلام تضمین نماید. قبل از ورود به مدل سازی روشی که در این پژوهش به آن پرداخته شده است، به برخی تعاریف و مشخصات مدل سازی می پردازیم.

مدل به مجموعه ای مادی، ریاضی یا منطقی اطلاق می شود، که ساخت های اساسی یک واقعیت را آشکار می سازد و در سطح خود، قادر به تبیین آن و ارائه کارکردهایش است.^۲

ویژگی یک مدل، ایجاد هماهنگی و رابطه بین طرح نظری (تئوری) و کار جمع آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات می باشد. در علوم اجتماعی مدلها شامل نشانه ها و علائم هستند، یعنی خصوصیات بعضی از پدیده های تجربی (شامل اجزا و ارتباط آنها) به طور منطقی از

۱. مدل، از ریشه لاتینی Modus به معنای اندازه گرفته شده است.
۲. سیاروخوانی، باقر، درآمدی بر دایرة المعارف علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۰، ص ۲۵۸.

طریق مفاهیم مرتبط با یکدیگر بیان می شود. بنابراین مدل منعکس کننده واقعیت است و جنبه های معینی از دنیای واقعی را که با مساله تحت بررسی ارتباط دارند، مجسم می سازد. روابط عمده را در میان جنبه های مزبور روشن می کند و سرانجام امکان آزمایش عملی یک تئوری را با توجه به ماهیت این روابط فراهم می کند. بعد از آزمایش مدل درک بهتری از بعضی از قسمت های دنیای واقعی حاصل می شود. به طور خلاصه باید گفت که مدل دستگاهی است متشکل از مفاهیم، فرضیه ها و شاخص ها که کار انتخاب و جمع آوری اطلاعات مورد نیاز برای آزمون فرضیه ها را تسهیل می کند.^۱ مدل سازی همچنین به ما کمک می کند که به متن و درون پدیده‌هایی که نمی‌توانیم مستقیماً آن‌ها را ببینیم، هدایت شویم. مدل جزئی کوچک یا بازسازی کوچکی از یک طرح بزرگ است که از لحاظ کارکرد با شیء واقعی یکسان است^۲

مدل مطلوب مدلی است که آینه تمام نمای اجزای اصلی و عمده پدیده مورد نظر باشد، اگرچه درست همانند واقعیت مفصل و پیچیده نیست، ولی با نشان دادن روابط اصلی اجزاء و آثار آنها وسیله‌ای ساده و مناسب در اختیار تحلیلگر می باشد. پس باید در نظر داشت که قیاس در مدل تنها حاکی از وجود برخی شباهت هاست، نه همسانی در همه خصایص و خواص. مدل فقط فرضیه خاصی را مطرح می کند که باید به محک آزمون زده شود و همه فرضیه های ممکن را در بر نمی گیرد. مدلها چکیده ای از واقعیات و روابط اصلی بین اجزای پدیده ها می باشند و نمایی کلی از واقعیت را نشان می دهند.^۳

در میان انواع مختلف مدل‌ها، مدل های پنداشتی (مفهومی) مناسب ترین نوع برای مدل سازی در مباحث فلسفه فقه سیاسی است، در مدل های مفهومی، به ساخت ایده های عمومی (مفاهیم) و فرضیاتی که روابط بین آنها را مشخص می کند، می پردازند. یک مدل پنداشتی یک سری از مفاهیم مرتبط با هم است که به طور سمبولیک بیانگر تصویر ذهنی از یک پدیده می باشد.^۴

۱. ایران نژاد پاریزی، مهدی، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: نشر مدران، ۱۳۸۲، ص ۵۰.
۲. گرجی، ابراهیم و برخوردار، سجاد، مبانی روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۸، ص ۳۳.
۳. الوانی، مهدی، تصمیم گیری و تعیین خط مشی دولتی، تهران: سازمان انتشارات سمت، ۱۳۷۹، ص ۵۴.
۴. حافظ نیا، محمد، مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۷، ص ۱۷.

ضرورت پژوهش

مباحث روشی فقه سیاسی و بررسی میزان کارآمدی مهارت‌ها و سازوکارهای روشی عمومی فقه در فقه سیاسی از دغدغه‌های سالیان دور فقهای بوده که در عرصه‌های مختلف سیاسی و حکومتی مجال بروز، ظهور و اظهار نظر یافتند، این دلمشغولی در دوران پس از انقلاب اسلامی و برپایی نظام جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی ره بیش از پیش رخ نمود و ضرورت طرح مباحث روشی در عرصه فقه سیاسی را به اثبات رسانید، روش‌های عمومی استنباط فقهی در همه عرصه‌های آن، از معاملات گرفته تا عبادات، سیاسات و قضاء، سرفصل‌های مشترک و جلوه‌های هماهنگی دارد، هرچند که هر یک از این عرصه‌ها، مختصات و جغرافیای استنباطی منحصر به فرد خود را نیز دارا می‌باشند.

فقه‌های بزرگ و کارآموده بر این باورند که دانش، تجارب و مهارت‌های استنباطی فقه عمومی از دستمایه‌های اصلی مطالعات فقه سیاسی به حساب می‌آیند. آنچه در این زمینه توجه برانگیز است، وجود تعدادی عناصر مشترک در همه جلوه‌های استنباط است، عناصری که مطالعات بسیاری در ارتباط با آنها در دل تاریخ فقه در دوران معاصر شکل گرفته است. از میان این عناصر مهم، می‌توان به ارتکازها، سیره عقلانی و سیره مشرعی و ... اشاره کرد. مطالعات انجام شده بر سر این موضوعات، خود بخشی از مطالعات مورد نیاز برای فقه سیاسی را تشکیل داده است، چرا که بهره‌گیری از عناصری از این دست، تا همه شاخه‌های استنباط امتداد می‌یابد.

به نظر می‌رسد، این ادعا که فقه سیاسی هیچ دستمایه‌ای برای آغاز حرکت جدی تر ندارد، نادرست و با واقعیت تاریخی و پژوهشی فقه منافی است. بسیاری از عناصر لازم برای استنباط در قلمرو فقه سیاسی، در دیگر حوزه‌های فقهی نیز به چشم می‌آیند، حوزه‌هایی مانند فقه معاملات و فقه قضاء.

کوتاه سخن آن که هرچند مطالعاتی سامانمند، هدفمند و برنامه‌ریزی شده، همپای نقش سیاست و الزام‌های آن در حوزه فقه صورت نگرفته است، ولی ظرفیت‌ها و مهارت‌های فقهی-ای که حاصل انباشت تجربیات فقیهان در تاریخ گرانسنگ هزار ساله حوزه‌های شیعی است،

به ما این امکان را می‌دهد که حرکت خود را نه از نقطه آغاز، بلکه با تکیه بر پشتوانه‌های اصیل و سنتی آغاز کنیم. بی‌گمان باروری این قابلیت‌ها، هنگامی به پویایی لازم دست خواهد یافت که از مطالعاتی به روز و اجتناب ناپذیر همچون سایر ابواب فقه برخوردار گردند.

آنچه در این میانه امید بخش است، اینکه بسط مطالعات در عرصه فقه سیاسی بر پایه همان ابزارهایی صورت می‌گیرد که در دیگر عرصه‌های فقهی به کار می‌روند و هرچند موضوع پژوهش‌های فقه سیاسی بسیار به روزتر و جدیدتر از مباحث سنتی فقه است، ولی شیوه‌های نتیجه‌گیری و روش‌های استنباطی و صورت تجویزی و حکمی آن، به صورت محسوسی از گذشته فاصله نمی‌گیرد و در همان فضا قابل پیگیری است.

سابقه پژوهش

کتابها و مقالات بسیاری در زمینه فقه سیاسی و مباحث تابعه وجود دارد که برخی از آنها به «مسائل و موضوعات» - مباحث درجه اول - فقه سیاسی پرداخته‌اند و محور اصلی برخی دیگر، مباحث روشی، اصول و قواعد فقه سیاسی به عنوان مباحث درجه‌ی دوم بوده است، دسته دوم این آثار که مرتبط با حوزه‌ی مباحث پژوهش حاضر هستند، در چند دسته قابل دسته‌بندی می‌باشند:

اول) آثار عرضه شده درباره‌ی ماهیت نظام اسلامی و اختیارات، مسئولیت‌های حاکم اسلامی و تعیین و تشخیص صلاحیت‌های لازم برای اصدار احکام حکومتی که در فقه اهل سنت به طور مستقل مد نظر بوده است و بیشتر با عناوینی چون: احکام سلطانی، نظام حسبه و خراج و نظام حکومتی اسلامی شناخته می‌شود، در خصوص احکام حکومتی آثاری همچون «الاحکام السلطانیة» اثر ابوالحسن ماوردی (م ۴۵۰ ق)، و کتابی با همین عنوان، اثر ابویعلی فراء (م ۴۵۸ ق)، از آثار فقهی درباره امور حسبه می‌توان به کتاب «معالم القربۃ فی الاحکام الحسبۃ» اثر محمد بن محمد بن احمد القرشی معروف به «ابن الاخوه» در قرن هفتم هجری و کتاب «نهایة‌الرتبۃ فی طلب الحسبۃ» نوشته ابی بسام المحتسب و کتاب «الحسبه فی الاسلام» اثر تقی‌الدین احمد ابن تیمیه و از آثار معاصرین به کتاب «ولایة‌الحسبۃ فی الاسلام» اثر دکتر عبدالله محمد عبدالله اشاره کرد.

در میان فقهای شیعه، آثار مکتوبی همچون؛ «روضه‌الانوار عباسی» از محقق کرکی، «تنبیه الامه و تنزیه المله» اثر محقق نائینی، «عوائد الایام» نوشته ملا محسن نراقی، «تحفه‌الملوک» نوشته سید جعفر کشفی و بسیاری از آثار و رساله‌هایی که بویژه در عهد صفویان و قاجاریان از فقهای شیعه در موضوع حکومت و سیاست به رشته تحریر درآمد، قابل ملاحظه است.

در میان فقهای معاصر علاوه بر آثار فقهی و سیاسی حضرت امام خمینی (ره)، آیت الله سید علی خامنه‌ای، شهید مرتضی مطهری و شهید محمد باقر صدر، از کتاب «ولایه الامر فی عصر الغیبه» اثر سید کاظم حائری و کتاب «نظام الحکم و الاداره فی الاسلام» و نیز کتاب «فی الاجتماع السیاسی الاسلامی» اثر محمد مهدی شمس الدین و «مبانی نظری حکومت اسلامی» اثر محمد مهدی آصفی و آثار حضرات آیات جوادی آملی، محمد تقی مصباح، مکارم شیرازی، جعفر سبحانی و ... می توان نام برد، که هر یک با نظر اجتهادی خود مبانی مشروعیت، جایگاه و وظایف حاکم اسلامی را مورد بحث قرار داده‌اند و به نظریه‌های خاصی نیز رسیده‌اند، که به لحاظ علمی از مباحث درجه اول محسوب می‌شوند و در پژوهش حاضر گزارشی از نظریات آنها در بخش مربوطه ارائه خواهد شد.

مقالات بسیاری نیز از سوی کنگره «امام خمینی و حکومت اسلامی» و کنگره «بررسی مبانی فقهی امام خمینی» منتشر شده که در مجلدات مربوط به فلسفه سیاسی اسلام و شرایط و اختیارات ولایت فقیه و نیز مجلد مربوط به مبانی کلامی حکومت اسلامی، مباحث ارزشمندی در مبانی و مبادی حکومت اسلامی و نظریات مختلف فقه سیاسی و نیز قواعد و احکام حکومتی به صورت متفرق، توسط اندیشمندان حوزه و دانشگاه ارائه شده که در مستند سازی منظومه روشی فقه سیاسی شیعه که در پژوهش حاضر به عنوان فرضیه مطرح گردیده، مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

سلسله درس های سید منیرالدین حسینی در قالب اثری تحت عنوان «اصول فقه حکومتی» در فرهنگستان علوم اسلامی در قم تدوین گشته که دارای ادبیات و اصطلاحات بدیع و نامأنوسی است که انتقال به مفاهیم اساسی را برای خواننده دچار مشکل می کند.

سلسله گفتگوهایی در قالب کتاب هایی با عناوین «اصول فقه حکومتی»، «پیش درآمدی بر مکتب شناسی فقهی»، «قاعده عدالت در فقه امامیه» و «قانون گذاری در نظام جمهوری

اسلامی... در پژوهشکده فقه و حقوق وابسته به پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به نشر رسیده که موضوعات و محورهای بدیع و نوآورانه ای را با اندیشمندان و صاحب نظران حوزه ای مطرح ساخته و فصل نوینی از مسایل جدید و مبتلابه را در مقابل فقه سیاسی و حکومت اسلامی گشوده است. چنین منابعی برای گفتمان سازی و تولید ادبیات لازم برای دانش، طرح بحث و آغاز پژوهش در عرصه های علمی، بسیار کارساز و راه گشاست.

دوم) آثار عرضه شده درباره منابع فقه سیاسی، بویژه جایگاه مصلحت، عرف و عقل در فقه حکومتی و ضوابط به کارگیری و دلالت آنها، از جمله کتاب «ضوابط المصلحه» اثر ابواسحاق شاطبی، کتاب «احکام حکومتی و مصلحت» اثر سیف الله صرامی و کتاب «فقه و مصلحت»، کتاب «فقه و عرف» و نیز کتاب «فقه و عقل» از آثار ابوالقاسم علیدوست و ... را می توان یاد کرد. نمونه هایی از مقالات را هم در مجموعه مقالات منتشر شده از سوی کنگره امام خمینی و حکومت اسلامی مجلد اختصاص یافته به بحث احکام حکومتی و مصلحت می توان دید. در این آثار به مصلحت و انواع آن و تاثیر آن در اصدار احکام حکومتی و زمان مند، به عنوان یک قاعده فقهی، پرداخته شده است که در پژوهش حاضر مورد بهره برداری قرار خواهد گرفت، لیکن جایگاه مصلحت در فقه سیاسی بالاتر از یک قاعده فقهی است، و همچون قاعده عدالت می تواند در مباحث لایه های قبل مانند مبادی و نظریه ها تعیین کننده باشد.

سوم) در خصوص فقه سیاسی شیعه، کتاب «فقه سیاسی» آیت الله عمید زنجانی، گزارشی تاریخی از نظریات، فتاوی و احکام فقه سیاسی فقهای نامدار شیعه (بویژه در جلد هشتم) و نیز توصیفی از تحولات تاریخی مربوط به مسایل این دانش ارائه کرده است، که اغلب این نظریات، قواعد، احکام و فتوای فقه سیاسی در قالب آثار فقهی و لابلائی ابواب فقهی از جمله امر به معروف و نهی از منکر، جهاد، بیع، قضاء، حدود و دیات و ... مورد بحث قرار گرفته اند. اما ارائه منظومه ای روشمند در قالب یک دستگاه منظم و منطقی در فقه سیاسی با تبیین ارتباط میان لایه های مختلف آن چنان که در این پژوهش ادعا شده، تازگی دارد.

کتاب دوجلدی «فقه و سیاست در ایران معاصر» اثر داود فیرحی که در دستگاه فقه سیاسی اسلامی به خصوص فقه سیاسی شیعه، مسأله دموکراسی را کاوش می نماید. این

پژوهش درصدد نشان دادن سیر تحول فقه سیاسی شیعه در بحث حکومت کردن و رابطه آن با دموکراسی از مشروطه تا جمهوری اسلامی می باشد. در بخشی از جلد دوم این کتاب، موضوع «امام خمینی و فقه حکومتی» مورد کاوش قرار گرفته است.

سؤال اصلی پژوهش

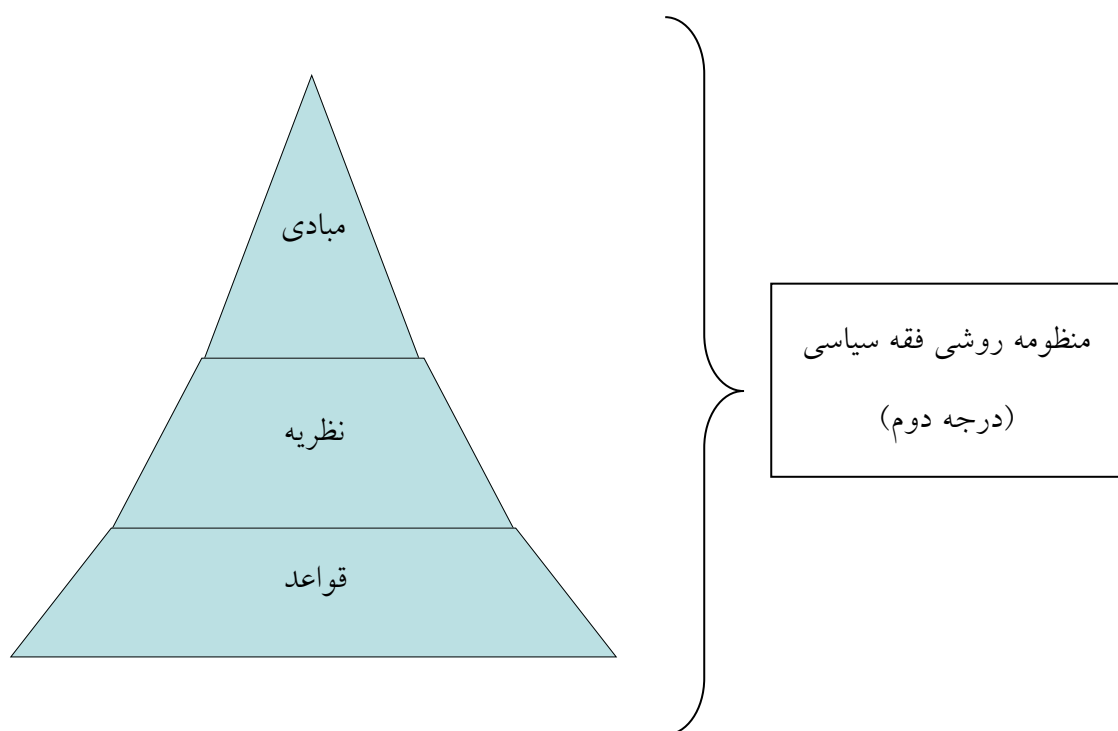
در مباحث روش شناسی که به تبیین و تشریح روش پرداخته می شود، معمولاً پرسش محوری پژوهش حاضر درباره چیستی روش است، لذا سوال اصلی چنین است:
روش فقه سیاسی شیعه با تاکید بر اندیشه های امام خمینی (ره) چیست؟

سؤالات فرعی پژوهش

- ۱) مدل روش فقه سیاسی شیعه دارای چه لایه ها و عناصری است؟ (به لحاظ مبانی و مبادی، نظریه سیاسی، قواعد)
- ۲) روش فقه سیاسی امام خمینی علیه السلام «به عنوان مدل مفهومی» از چه عناصری در مبادی، نظریه و قواعد برخوردار است؟

فرضیه پژوهش

در طراحی مدل برای روش فقه سیاسی و فقه حکومتی امام خمینی علیه السلام به عنوان یک مفهوم کلی، یک منظومه سه لایه روشی به عنوان یک منظومه قابل آزمون است، (شامل مبادی روشی فقه سیاسی، نظریه فقه سیاسی، اصول و قواعد فقه سیاسی) که توانمندی لازم را برای تفسیر و فهم روش فقه سیاسی امام خمینی علیه السلام را به وجود می آورد، البته بعد از آزمون این مدل می توان آن را در خصوص مکاتب فقهی دیگر نیز به کار بست.



پیش فرض های پژوهش

- جامعیت دین نسبت به تدبیر حیات سیاسی و اجتماعی و فردی انسان تا قیامت
- اعتقاد به دولت مطلوب شیعه با حضور امام معصوم علیه السلام
- اصل استمرار حکومت اسلامی در عصر غیبت امام معصوم علیه السلام
- ضرورت وجود حکومت و کارکردهای سیاسی و اجتماعی در عصر غیبت

اهداف پژوهش

اهداف علمی و کاربردی این پژوهش به ترتیب ذیل است:

- ۱) شناخت و تبیین ارتباط منطقی میان لایه های مختلف روش شناختی فقه سیاسی شیعه، به صورتی که بتوان منظومه های روشی مختلف، را از یکدیگر متمایز ساخت.
- ۲) شناخت و ارائه روش و فرایند منطقی و شرعی صدور احکام حکومتی و قوانین، متناسب با هر منظومه فقه سیاسی
- ۳) شناخت و تبیین منظومه روشی فقه سیاسی امام خمینی علیه السلام
- ۴) مطالعه تطبیقی منظومه روشی فقه سیاسی امام خمینی علیه السلام در نظام جمهوری اسلامی ایران
- ۵) مطالعه مقایسه ای منظومه روشی فقه سیاسی میان نحله های مختلف شیعه

روش گردآوری، تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده ها

از آنجا که موضوع تحقیق در این پژوهش از مباحث فلسفه فقه سیاسی و طبعا درجه دوم و عقلی می باشد، از سوی دیگر به دنبال توصیف و تبیین منظومه روشی علما و فقهای شیعه در چارچوب فقه سیاسی است، لذا روش پژوهش توصیفی - علی می باشد.

سازمان دهی پژوهش

پژوهش حاضر در مقدمه با طرح تفصیلی آغاز می شود، در فصل اول مفهوم شناسی پژوهش همچون روش شناسی فقه و اصول، فقه سیاسی و حکومتی و چارچوب نظری، پرداخته خواهد شد، فصل دوم به مبادی روشی فقه سیاسی در چهار گفتار شامل عقل، عرف و مصلحت و سایر مبادی نظیر حجیت ظواهر قران و سنت، نقش امامت و عصمت در تأسیس دولت مشروع، انسداد و انفتاح باب علم و علمی، ... اختصاص یافته است، فصل سوم به شناخت منظومه روشی فقه سیاسی امام خمینی؛ در سه لایه مبادی، نظریه و قواعد و اصول و در فصل آخر جهت یک مطالعه مقایسه ای به منظومه روشی فقه سیاسی شیعه اخباری با تاکید بر اندیشه های مرحوم فیض کاشانی، پرداخته می شود.

به این ترتیب سازمان دهی پژوهش به شرح ذیل خواهد بود:

مقدمه: طرح تفصیلی

فصل اول: مفهوم شناسی (مبادی تصویری)

فصل دوم: مبانی روشی فقه سیاسی شیعه (مبادی تصدیقی)

فصل سوم: منظومه روشی فقه سیاسی امام خمینی علیه السلام

فصل چهارم: منظومه روشی فقه سیاسی اخباریون با تاکید بر اندیشه فیض کاشانی

جمع بندی و نتیجه گیری

فصل اول:

مفهوم شناسی پژوهش (مبادی تصویری)